

روایت

دیدار که تمام می شود، طول می کشد تا وقتی خط های تلفنشان از حالت «دستگاه مشترک موردنظر خاموش می باشد» به بوق آزاد تبدیل شود. کاروان بیست و چهار نفره کارگران خراسان رضوی را سرانجام در مسیر تشریف به قم و زیارت بارگاه کریمه اهل بیت (س) پیدا می کنیم؛ شاد و حظ برده از دیدار باولی امر و شنیدن جملاتی که حرف دلشان بوده است. از باران امیدی می گویند که هم زمان با شروع صحبت های آقا در دلشان باریدن گرفته و بذرهای انگیزه ای که در وجودشان جوانه زده است، راوی خرد روایت های دیدار روز شنبه رهبر معظم انقلاب با کارگران سراسر کشور، تعدادی از اعضای کاروان استانمان هستند. حرف هایشان را به ضمیمه «خیلی خوب بود»، «چقدر چسبید»، «جایتان خالی» و جملاتی از این دست بخوایند.

- تصمیم های تازه

تعداد کارگران متقاضی برای دیدار با رهبر معظم انقلاب زیاد بود و چاره ای جز قرعه کشی وجود نداشت. مرور خاطره لحظه ای که به او خبر دادند اسمش برای این دیدار درآمده است برای عیسی لطفی، لذت بخش است. معنای این خبر این بود که می تواند بعد از پانزده سال، دوباره آقا را از فاصله چندمتری ببیند و پای حرف های ایشان بنشیند. خوشی های او در دقایق دیدار رهبر معظم انقلاب با کارگران، خلاصه می شود در این جملات که «خیلی خوب بود. آن قدر خوب که همه اش فکر می کردم این ها رویا است. سی و هفت سالگی را بر می کند و باز رس کنترل کیفیت در یکی از شرکت های قطعه ساز خودرو است. شغل او حساس است. باید سختی و کیفیت آلیاژها را تایید کند تا کار. وارد مرحله ساخت قطعه بشود. دل پری دارد از اجحافی که در حق کارگران می شود، از اینکه زور کارفرماها بیشتر است و برخی از آن ها تا بتوانند از سرنوته حقوق و مزایای کارگران می زنند. از اداره کار و بیمه هم گله مند و معتقد است کفه توجیهشان به سمت کارفرما سنگین تر است.

برای او با گله های کاری انباشته روی دوش، صحبت های رهبر معظم انقلاب، آرامش بخش و امیدآفرین بود؛ مثلاً آنجا که از پیگیری مطالبات گفتند و روی جدا کردن خط

بذر امید در دل کارگران

کارگران مشهدی از دیدارشان با رهبر معظم انقلاب می گویند



این مطالبه گری از دشمن و سوءاستفاده هایش تأکید کردند. صادقانه می گوید بی مهری هایی که در محیط کار دیده، این فکر را به ذهنش آورده است که کم کاری کند، اما بذر امیدی که صحبت های آقا در دلش نشانده است، او را به سمت دیگری سوق می دهد: «می خواهم بهتر کار کنم و یک نیروی کارآمد و مفید باشم. به محل کارم که برگردم همکارانم را تشویق می کنم که کارشان را با انگیزه انجام بدهند. از صمیم قلب از رهبرم تشکر می کنم که حواسشان به قشر کارگر هست. دلمان به بودنشان گرم است. کاش بتوانیم سربازهای خوبی باشیم.»

- نخستین دیدار

برخلاف برخی کارگران که شاید فقط به بخش تأکيدات رهبر معظم انقلاب به مسئولان درباره رسیدگی به حقوق کارگر توجه داشته باشند، مرضیه بهادری مقدم به آن قسمت از فرمایشات آقا اشاره می کند که روی موضوع

ایشان، برای او حلاوتی دارد که تلاش می کند آن را به کلمه تبدیل کند و با ما درمیان بگذارد. او از دقایق کشش دار انتظار می گوید که انگار بنای تمام شدن نداشت و دیدن چهره ایشان و شنیدن بی واسطه کلامشان را برای مرضیه به تعویق می انداخت. «لحظه ها را می شمردم برای اینکه هر چه زودتر آقا را از نزدیک ببینم. خوش حالی عجیبی داشتم. بقیه هم همین طور بودند. وقتی وارد شدند، فضای خاص و متفاوتی ایجاد شد. خیلی ها از شادی گریه می کردند. اصلاً تصورش را نمی کردم که ایشان را ببینم. دیدار خوشایندی بود. واقعا چسبید.»

- پای کار می مانیم

بعید است کارگر باشی و پویه اجحاف ها به تنت نخورده باشد؛ از سوء رفتارهای کارفرما گرفته است تا ضعف قوانین و نظارت های نا کافی روی محیط های کارگری. هادی شیرازی هم از این رویه که متأسفانه به قاعده تبدیل شده است، مستثنا نیست. پنجاه و سه ساله است و روزهای بازنشستگی را سپری می کند. سی سال خدمتش را مرور می کند و می گوید: این طور وقت ها سه سی کردم با صبوری و نامه نگاری مشکل را حل کنم و نگذارم که پیگیری حق و حقوقم باعث شود کار بخواید. حتی اگر موضوعی بود که نفعش به بقیه کارگرها می رسید پای پیگیری اش ماندم. مثل همین کارگرهای شرکتی که حقوقشان با دیگر کارگران، کلی تفاوت دارد.

او صحبت های رهبر معظم انقلاب را سه جانبه و مخاطب آن را کارگران، کارفرمایان و دولتی های داند و می گوید: «چند جا از صحبت های آقا به دل من نشست و در ذهنم ماند. یکی آنجا که روی مبارزه دائمی با زندهای هفت سرفساد تأکید کردند. یعنی همین هایی که دنبال کارشکنی هستند نه حل مشکلات مردم و اصلاً شاید نفعشان در بلند کردن صدای اعتراض کارگران و دیگر قشرها باشد.»

آقای شیرازی از حس و حال خوبش پس از شنیدن صحبت های پر امید ایشان این طور می گوید: «اصلاً همین که ایشان چنین جلسه ای را ترتیب می دهند برای قدردانی از تلاش کارگران، انگیزه می دهد. این طور که ایشان قدر دان مقام کارگر و ارزش کار هستند، متأسفانه نگاه جامعه این نیست. کارگرها آدم های زحمت کش و بی تعارفی هستند. دیدید وقتی گزارش وزیر کار، طولانی شد شوقشان را برای شنیدن صحبت های آقا و پایان گزارش وزیر، چطور نشان دادند؟ با فرستادن صلوات. ولی مسئولان آن طور که باید به فکر حقوق این قشر نیستند. تورم را ببینید و درصد افزایش حقوق کارگران را.»

او با بیان اینکه این مشکلات همیشه بوده است، صحبت های رهبر را مرور می کند؛ همان پای کار ماندن ها، دل سرد نشدن ها و هوشیار بودن ها را.

پای کارگران ایستاده ایم

روایت زوج فعال و کنشگر کارگری که با پیگیری های خود گام هایی برای بهبود روابط کار برداشته اند

گفت وگو ویژه

زندگی و کارشان را گره زده اند به گره گشایی از کارگران. می گویند از تمام کشور، دور یا نزدیک تماس می گیرند تا برای بهبود ارتقای جایگاه کاری کارگران کاری کنند کارستان. حرف برای گفتن بسیار دارند از تلاش ها برای افزودن یک بند در حوزه ارتقای جایگاه کارگری تا کسر کار خوردن ها و شب و روز دودین ها. مثل خیلی از کارگرها هنوز مستأجرند و در طبقه منهای یک ساختمانی زندگی می کنند، حالا احسان سهرابی و همسرش سیمین یعقوبیان دو فعال کارگری هستند که تجربه حضور در کانون هماهنگی شورای اسلامی کار استان، نمایندگی کارگران در شورای عالی حفاظت فنی وزارت کار، بازرسی و مشاوره امور بانوان در کانون هماهنگی شورای اسلامی را دارند.

و خستگی، سرش میان دستگاه نساجی گیر می کند، چطور می توان راحت خوابید. شاهد بودم یک نفر از کارگران شرکت نوشابه، دستگاه روی کمربش افتاد و قطع نخاع شد. چندی قبل هم به من گفتند جوانی در یکی از شرکت های تولید قیر داخل دستگاه افتاده و متأسفانه... (مکث و جابه جا کردن عینک) وحشتناک است. هیچ چیزی از او در این دیگ پر از قیر نماند. برای این افراد دیه پرداخت می شود، اما برای خانواده ای که عزیزشان را از دست می دهند یا کارگری که تا آخر عمر قطع عضو می شود، چگونه می توان جبران کرد؟ چرا با قوانین قاطع در حوزه کاری مانع این آسیب ها نشویم.

من در نامه ای به حجت الاسلام و المسلمین اژه ای درخواست کردم که به موضوع آسیب های حوزه کار و قوانین بازدارنده ورود داشته باشند.

جای خالی بانوان کارگر در تصمیم گیری ها سیمین یعقوبیان، همسر احسان سهرابی، است. او نیز یک چهره شناخته شده در حوزه پیگیری های امور کارگری است. تلاش های بسیاری کرده است تا بانوان در کانون هماهنگی شورای اسلامی کار کرسی داشته باشند. تلاشی که برای مدتی به بار نشست. می گوید: «پس از بارداری و مرخصی زایمان بدون آنکه به من به عنوان یک عضو اطلاع داده شود، انتخابات کانون برگزار می شود و کرسی بانوان به دست آقایان سپرده می شود.»

حدود دو سالی از این اتفاق گذشته و دست بانوان کارگر از کرسی این شورا کوتاه شده است.

- هر کارگری یک کنشگر

یعقوبیان لیسانس آمار دارد و از سال ۸۵ و با بستن قراردادی با یکی از شرکت های الکترونیکی وارد بازار کار می شود. هفت سال در این مجموعه الکترونیکی فعالیت می کند، اما در ادامه به ددایی از این مجموعه جدا و وارد یکی از شرکت های خودروبی می شود. علت جداشدن او از شرکت بیشتر مربوط به پیگیری های اوست. می گوید: «دیدگاه من به کار و کارگر این است که هر کدام از کارگران می توانند در کنار کار و شغل خود یک کنشگر اجتماعی در مسائل و روابط کاری باشند. دورانی که در شرکت الکترونیکی فعال بودم به این موضوع پی بردم که برخی از مزایای قانونی پرداخت نمی شود. برخلاف برخی از کارگران که از پیگیری این مزایا و اهمه داشتند من در پی رفع آن ها بودم. سال ۹۱ بود که باتوجه به دغدغه مندی هایم وارد کانون هماهنگی شورای اسلامی کار شدم. در دوران حضورم



عکس: سید گلین اوزار

بازرس و مشاور بانوان کانون هماهنگی شورای اسلامی کار بودم.»

- هیوس، کارگران فریاد نمی زنند

یعقوبیان به خاطراتی از حضورش به عنوان بازرس در شورای کار و چه اکنون که به عنوان فعال حوزه کارگری است اشاره دارد. نمونه اش ارتقای شغلی است. می گوید: «شیرینی حضور من در بازرسی و نیز جایگاهم به عنوان مشاور امور بانوان کانون، همان پیگیری هایی است که برای بانوان داشتم. تلخی هایش هم برمی گردد به دردسرهایی که در حوزه کاری گریبان گیرم شد.»

این فعال کارگری می گوید: «بدون تعارف بگویم که مطالبات جامعه کارگری بانوان باید از سوی خود بانوان انجام شود. هر چند آقایان مدعی باشند که در پی حل مشکلات کارگران خانم هستند؛ اما یک سری از اتفاقات و مشکلات رایک خانم به دلیل اینکه خودش لمس می کند، درک بهتری دارد و می تواند در پی رفع آن باشد. قانون مرخصی زایمان از جمله این هاست. تا دو سال قبل بسیاری از شرکت ها ماه ۹ را اجرا نمی کردند. پیگیری های زیادی انجام شد تا در نهایت این قانون برای همه لازم الاجرا شد. موضوع بازگشت به کار پس از مرخصی زایمان است.»

- ترس از اخراج

یعقوبیان تلخی ها را به کرامت و جایگاه بانوان شاغل کارگر ارتباط می دهد: «بانوان شاغل کارگر اغلب به دلیل شرایط خانوادگی در برابر مشکلات و کاستی ها معمولاً سکوت می کنند تا به قول خودشان همان آب باریکه برایشان بماند و بتوانند خرج و مخارج زندگی را تأمین کنند. سال ۱۹۷ از یک مجموعه پیمانکاری بازدید داشتم. بخش از کارکنان آنجا را خانم هایی میان سال به خود اختصاص می داد. بعد از صحبت با چند نفر از خانم ها متوجه شدیم که شرایط قانون کار و حداقل هایی که قانون در نظر گرفته است رعایت نمی شود. جایگاه ما مشاوره و اعلام شرایط این واحد به نماینده بیمه بود. با این حال چند نفر از خانم ها حاضر نشدنند که پای کار بایانند. دلیلش بود، ترس از اخراج داشتند. یکی از خانم ها می گفت سرپرست خانواده است و مادرش بیماری خاص دارد. از همان حقوق پول درمان مادرش و اجار خانه را می داد. او به من این طور گفت: اگر قانون پشت من باشد. اگر ضمانتی برای کارم باشد. اگر قراردادی داشته باشم، چرا دنبال حق و حقوقم نباشم؟!»

گفت وگو

جامعه شناس از حقوق و جایگاه کارگری می گوید
حق کارگر، و وظیفه کارفرما



زهرار شریعتی! کمتر فرد پناهدی است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از حضور کارگران بهره نگیرد، اما برخلاف آموزه های دینی، این قشر جامعه از جایگاه اجتماعی متناسب با نقش و اهمیتشان برخوردار نیستند و حتی گاهی کرامت انسانی شان خدشه دار می شود. دکتر حسنی، جامعه شناس، در این باره معتقد است: «نیروی انسانی کار از ارکان مهم تولید در هر کشوری به شمار می رود که بسته به مهارتشان، میزان تأثیرگذاری شان در این روند بیشتر است. در دوران اقتصاد کاربر، بیشتر نیروی بدی کارگران مورد نیاز بود، اما امروز فقط نیروی فیزیکی آن ها نیست که در بخش کشاورزی یا اقتصاد سنتی کار می کند، بلکه شاهد توانمندی های ویژه مهارتی و نوآوری های بسیاری از سوی کارگران در بخش های اقتصادی، صنعتی، خدماتی و... هستیم که هم پای مهندسان و گاه بیش از آنان زمینه توسعه جامعه را فراهم می کنند. در روند پیشرفت فناوری، ناگزیر صنایع خودکار جایگزین بخشی از نیروی کار جامعه می شوند، اما حذف کامل آنان ممکن نیست. بنابراین، توجه و قدردانی از این قشر مؤثر، نباید صرفاً به یک روز در سال محدود شود، بلکه باید طی سال همواره به فکر ارتقای آنان و در نهایت افزایش بهره وری بود.»

- دادرسی حقوق کارگر به نفع سرمایه گذار است

او بر این باور است که نیروی کار را باید در واحد خانواده دید و نرخ کار را براساس نیازهای روز خانواده در نظر گرفت تا در سایه امنیت شغلی و سلامت فکری و جسمی با روحیه و آرامش بیشتری کارشان را پیش ببرند. نه اینکه حتی برای تأمین نیازهای روزمره شان هم دغدغه داشته باشند. دادرسی حقوق کارگران و زحمت کشان اصلی تولید، بهره وری را افزایش می دهد و این به نفع سرمایه گذار نیز هست.

- حفظ احترام و کرامت انسانی، لازم و ضروری است

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی با اشاره به حدیثی از امیرمؤمنان (ع) که می فرماید «هیچ کاخی بنا نمی شود مگر همراه با ریختن کوخی»، تصریح می کند: «اصولاً مطابق آموزه های دینی ما، باید میان کارفرما و کارگر رابطه ای صمیمی مبتنی بر منافع دوطرفه حاکم باشد، به گونه ای که حقوق واقعی کارگر بر اساس سهم واقعی اش در تولید محاسبه و پرداخت شود، نه شیوه ای که اکنون مرسوم است؛ زیرا تولیدات کشور فقط به وسیله سرمایه صورت نمی گیرد، بلکه نیروی کار نیز در آن نقش آفرین است. کارهای دشوار با ریسک زیاد را کارگران انجام می دهند، در حالی که ایمنی جانی و مالی شان زیر سؤال است و بیشتر در حاشیه شهر و مناطق محروم زندگی می کنند. با توجه به روند کاهش جمعیت و به تبع آن، به جایی خواهیم رسید که باید نیروی کار را از خارج وارد کنیم. شاید آن موقع بیشتر قدر این قشر زحمت کش را بدانیم. البته باید به خاطر داشت که قدردانی از کارگران صرفاً به جنبه مالی محدود نمی شود، بلکه لازم است به حفظ احترام و کرامت انسانی آنان توجه شود. حتی اگر کمک یا پاداشی هم ارائه می شود، نباید موجب تحقیر نیروی کار شود و این مهم نیازمند یک نظام جامع کار است که هم حافظ منافع مادی کارگران باشد و هم اهمیت کار را در ذهن مردم تقویت کند تا از جایگاه کار و کارگر آگاه باشند و آن را رعایت کنند.»

- وقتی درآمدهای بدون تلاش ارزشمند می شود!

دکتر حسنی دیدگاه تحقیرآمیز رایج در جامعه را نشئت گرفته از حاکمیت نگاه طبقاتی می داند که تا صحت از کارگری می شود. افراد با سطح معیشتی ضعیف و ساکن مناطق محروم را به ذهن متبادر می سازد: «هرچند پس از انقلاب اسلامی، توجه قانونی به این قشر رشد خوبی داشته. در واقعیت اجتماعی و مرحله اجبار، قوانین با موانع روبه رو هستند، به ویژه در بخش خصوصی؛ مثلاً زنان کارگر که گاه حتی کارفرما از آن ها تعهد می گیرد حقشان را از نهادهای مربوط مانند اداره کار یا بیمه پیگیری نکنند. اصلاح این درک از کارگر، نیازمند فرآیندی تربیتی و جامعه پذیری است. البته کارگر هم در قبال رعایت حقوقش باید متعهد به کار و کارفرما باشد، ولی در مجموع، معمولاً حقوق کارگر تضعیف می شود تا حقوق کارفرما.»

به اعتقاد این جامعه شناس، نداشتن یا کم بودن مهارت های شغلی از دیگر عوامل تنزل جایگاه کارگر در جامعه است. از سوی دیگر، اسناداردها و قوانین حاکم بر بخش کارگر و کارفرما باید در راستای ارتقای منزلت و جایگاه نیروی کار و سهم او از ارزش افزوده کارش مشخص باشد. اینکه اکنون واسطه گرها، افرادی زربگ و موفق تلقی می شوند و بهترین زندگی و منزلت را دارند، اما اهل کار و زحمت کشان واقعی تحقیر می شوند، حاکی از وجود یک معضل فرهنگی در جامعه است که زاده امروز و دیروز هم نیست و نشئت گرفته از کاهش ارزش کار و ارزش گذاری برواسطه گری و درآمد های بدون کار است که بدون انجام کار یا ایجاد ارزش افزوده به دست می آیند.

- ضرورت تبیین فرهنگ کار و جایگاه نیروی کار

در فرهنگ بومی و دینی ما کسی که بیشتر تلاش کند، نزد خداوند محبوب تر است و نزد مردم نیز باید ارزش بیشتری داشته باشد. بنابراین، لازم است هرچه این فرهنگ را خدشه دار می کند، تبیین و با آن مقابله شود. در آموزش های رسمی و سیستم تعلیم و تربیت، لازم است فرهنگ کار به درستی در ذهن افراد جا بیفتد و دانش آموزان از نزدیک محل کار کارگران را ببینند. اینکه کارگر را صرفاً نیروی کاری بدانیم که سر گذر ایستاده است و هیچ سازمانی برای تأمین امنیت شغلی اش اقدام نمی کند، درست نیست. در تولیدات هنری و رسانه ای نیز تبیین نقش کارگر و آموزه های دینی درباره جایگاه او ضروری است.